



فیلسوف واقعی از نظر سهروردی جامع حکمت بحثی و ذوقی است

رئیس هیئت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گفت: فیلسوف واقعی آن است که توانسته باشد حکمت استدلالی و نظری و بحثیه را با حکمت ذوقیه که مبتنی بر اندیشه کشف و شهود است، بیامیزد.

رئیس هیئت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی گفت: فیلسوف واقعی آن است که توانسته باشد حکمت استدلالی و نظری و بحثیه را با حکمت ذوقیه که مبتنی بر اندیشه کشف و شهود است، بیامیزد.

به گزارش خبرنگار مهر، مهدی محقق، رئیس هیئت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی عصر روز گذشته ۸ مردادماه در مراسم افتتاحیه همایش ملی «حکمت اشراقی در پرتو آراء و آثار شهاب الدین سهروردی» که به همت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و همکاری کمیسیون ملی یونسکو و ایران و دانشگاه آزاد اسلامی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد، گفت: چند سال قبل در مورد سهروردی همایشی در استان زنجان برگزار شد، در آنجا پروفسور «فان اس»، استاد دانشگاه گوتنبرگ آلمان و یکی از اسلام شناسان معروف گفت که چهار نفر با عنوان شهاب الدین سهروردی در تاریخ داریم که متأسفانه در همان همایش برخی ها شهاب الدین سهروردی را با کسی مخلوط کرده بودند که سعدی می گوید «مرا پیر دانای مرشد شهاب»، در حالی که او ارتباطی با شیخ اشراق نداشته است.

وی افزود: شیخ اشراق همان کسی است که کتاب حکمت الاشراق را نوشته است و مؤسس مکتب اشراقی در فلسفه اسلامی است. در فلسفه اسلامی ما چند مکتب داریم که یکی از آنها مشاء است که منتسب به ارسطو و شارحان ارسطو مانند فرفوریس و یحی النحوی می شود. حتی ملاحادی سبزواری نیز در آنجا که در مورد عقل و عاقل و معقول حرف می زند، از شارحان ارسطو یاد می کند. مکتب ارسطو و شارحان او مبتنی بر عقل و استدلال بوده است و این جریان تا قرن ششم و هفتم ادامه دارد که شیخ اشراق آمد و در برابر مکتب مشاء، مکتب اشراق را تأسیس کرد که مبتنی بر استدلال تنها نبود، بلکه توأم با کشفیات قلبی نیز بود که مراد «العلم نور یقذفه الله فی قلب ما یشاء» است؛ یعنی علم، نوری است که خداوند به قلب هر کس که بخواهد می افکند.

رئیس سابق انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تصریح کرد: سهروردی به معنای گل سرخ است. سهر یکی از کلماتی است که به معنای سرخ است و «ورد» نیز به معنای گل است و اسم با مسمایی است که شیخ ما از آنجا برخاسته است. در بعضی از منابع من دیدم که به جای رستم و سهراب، نوشته اند رستم و سرخاب.

وی در ادامه سخنانش اظهار کرد: مکتب دیگر نیز حکمت متعالیه است که ملاحادی سبزواری نیز می گوید «نظمتهای فی الحکمة التی سمت فی الذکر بالخیر الكثير»؛ یعنی در مورد حکمت متعالیه می گوید این همان حکمتی است که در قرآن ذکر شده و از آن تعبیر به ذکر کثیر شده است. همچنین خداوند فرمود: «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا».

این محقق و نویسنده کشورمان گفت: ملاحادی سبزواری نیز نظرش بر این آیه بوده است که می گوید «نظمتهای فی الحکمة التی سمت فی الذکر بالخیر الكثير». کتاب مهم شیخ اشراق نیز همان حکمة الاشراق است. این کتاب مورد توجه دانشمندان بوده است و شهرزوری و قطب الدین شیرازی بر آن شرح نوشته اند که بنده با همکاری عبدالله نورانی آن را تصحیح کرده ام. قطب الدین شیرازی نیز از نوابغ این مملکت بوده است و کتاب شرح او نیز نشان از بزرگی او دارد. او علاوه بر اینکه پزشک بوده و در سن ۱۴ سالگی رئیس بیمارستان در شیراز شد، فیلسوف هم بود و این شرح و دیگر آثارش نشان از توانایی او دارد. همچنین پرفسور ایزوتسو هم مقدمه ای انگلیسی بر آن نوشته اند که بسیار جالب و مهم است.

وی با تأکید بر اینکه شیخ اشراق مطالب خود را از منابع مختلف موجود زمان خود استفاده کرده است، گفت: یکی از آن منابع هرمس بوده است، دو تا هرمس داریم؛ یکی هرمس بابلی و دیگری هرمس مصری. هرمس بابلی و مصری هر دو در اندیشه های او اثر گذاشته اند و منبع دیگری که داشته است نیز اندیشه های نوافلاطونیان بوده است. بنابراین شیخ اشراق از منابع ایرانی که در آن زمان موجود بوده است، استفاده کرده و همین توجهی که به نور و ظلمت می کند و توجهی که به خیر و شر دارد، قابل توجه است.

محقق بیان کرد: آن کسانی که شناخته شده اند، به عنوان ثنوی، خیر و شر را عامل در وجود می دانند، اما ما می گوئیم شر، عدم الخیر است. شر، هویتی ندارد و آنچه که هویت دارد، خیر است. نور در حقیقت مظهر خیر است و ظلمت

مظهر شر محسوب می شود و این از اندیشه های متفکرین ایران باستان است.

وی با بیان اینکه کلمه ظلمت به عناوین مختلف در ادبیات فارسی آمده است، گفت: مکتب اشراق را سهروردی زنده کرد. فیلسوف جامع آن کسی است که علاوه بر حکمت بحثیه که مبتنی بر استدلال و دلیل است، حکمت ذوقی را نیز داشته باشد و این دو را با هم توأم دارد. حکمت بحثیه که فقط بحث باشد همان است که مولانا می گوید «پای استدالیان چوبین بود».

محقق با بیان اینکه فیلسوف واقعی آن است که توانسته باشد حکمت استدلالی و نظری و بحثیه را با حکمت ذوقیه که مبتنی بر اندیشه کشف و شهود است، بیامیزد، تصریح کرد: در هر حال مطالعه در باب سهروردی و اندیشه های او پهنای زیادی دارد که دانش پژوهان می توانند در این زمینه کار کنند. شرح حکمت الاشراق قطب الدین را که با دو مقدمه چاپ کرده ام نیز این طور است که یکی در مورد سهروردی و یکی نیز در مورد قطب الدین شیرازی است که شارح بوده است.